

■ **ابتدا از دو مؤسسه نشری که در ایران و انگلستان دایر کرده اید بگویید: «شمع و مه» و «candel&fog» مؤسات جداگانه یا دوشعبه از یک انتشاراتی هستند؟**

انتشارات شمع و مه در سال ۱۳۷۰ در ایران و مؤسسه نشر «candel & fog» هم حدود ۲ دهه قبل در انگلستان دایر شد. دو مؤسسه نشر جدا هستند که به روی یک هدف متمرکز هستند و کار مشترکی انجام می دهند.

■ **اما چرا دو مؤسسه جداگانه؟**

گذشته از شرایط زندگی ام که همواره در رفت وآمد میان ایران و انگلستان هستم، از همان ابتدا به دنبال معرفی ایران و ادبیات مان به سایر کشورها بودم. دراین بین مانع بزرگی

به کسب تجربه‌های ارزشمندی شده، دراین بین موفق به برگزاری بیش از ۳۰ برنامه در دانشگاه‌های معتبر کشورهای مختلف شده‌ایم که اینها به موفقیت بیشتر کمک کرده است.

■ **فعالیت در عرصه نشر را در نتیجه کنجکاو سال‌های نوجوانی عنوان کردید، خانواده در این بین چه نقشی داشتند؟**

من با کتاب بزرگ شده‌ام؛ بویژه با مطبوعات. در سنین بسیار کم اهل پیگیری و مطالعه روزنامه بودم. از مجله‌ها هم صرف‌نظر نمی کردم. شاید باورتان نشود اما طی سال های دبستان، صفحات روزنامه برای من در حکم اعتیادی بود که امروز به شبکه‌هایی نظیر اینستاگرام داریم. من فرزند یک خانواده

گفت و گو با افشین شحنه تبار، مدیر انتشارات بین المللی «شمع و مه» پیرامون وضعیت نشر ایران و جهان

رایین هودنماها نشر را تخریب می کنند

مریم شهبازی خبرنگار

همه چیز از یک کنجکاو شی شروع شد؛ آن‌هم در سال‌های دوره نوجوانی؛ زمانی که ساکن انگلستان بود. به هر کتابفروشی که می‌رفت سراغی از ادبیات خودمان می گرفت اما کتابی نداشتند؛ اگر هم بود، همه منطق بر سیاست‌های ضد ایرانی. فهمید که باید کاری کرد تا آن طرفی‌هاهم تصور صحیحی از ایران و ایرانی پیدا کنند. حالا نزدیک به سه دهه از ورود «افشین شحنه تبار» به عرصه نشر می گذرد؛ از همان ابتدا اقرار کارش را بر ترجمه آثار خودمان و انتشار در دیگر کشورها گذاشت. ابتدا در ایران و چند سال بعد هم در انگلستان مؤسسه نشر دایر کرد؛ در اولی به عنوان ناشر ایرانی و در دومی در کسوت ناشی انگلیسی و متعهد به قوانین اتحادیه اروپا. چندی است که مؤسسه نشری هم در امریکا دایر کرده و دبلیش را هم در این می داند که جهانی کار کردن را نمی توان از خیابان انقلاب مدیریت کرد؛ باید با آنان وارد تعامل شد. طی تمام این سال‌ها با هم‌راهی هفتاد مترجم خارجی موفق به ترجمه اغلب‌شان چندین سال صرف شده است. ابتدای کارش متمرکز بر زبان انگلیسی بود، اما حالا به زبان‌های فرانسوی، ایتالیایی، آلمانی و اسپانیایی هم کارهای متعددی انجام داده است. در انتخاب آثار، توجهی به نگاه‌های سلیقه‌ای ندارد و می گوید: «ادبیات که چپی و راستی ندارد، ما باید ترجمه کنیم تا ببینیم مخاطب خارجی با کدام ناشر انبهرتری می گیرد». هم از محمود دولت آبادی آن طرف کتاب ترجمه و منتشر کرده و هم از احمد دهقان و حتی جوان ترهایی مانند الهام فلاح. عناوین مختلفی از آثار دانشگاهی، نوشته نویسندگان خودمان را هم با همکاری دانشگاه‌های «ژنو» و «لوزان» منتشر کرده که حالا جزو منابع درسی آنها هستند. ترجمه آثاری درباره هنر، تاریخ و معماری و هر چه به زاد گاهش مرتبط باشد در کارهایی که بانی آن بوده دیده می‌شود. گفت‌وگوی امروزمان با افشین شحنه تبار، ناشر ایرانی، انگلیسی و امریکایی را در درباره اوضاع نشر ایران و جهان می‌خوانید.

همچون کپی رایت و از سویی تبلیغات منفی علیه کشورمان من را بر آن داشت که مؤسسه نشری انگلیسی بر اساس قوانین اتحادیه اروپا تأسیس کنم.

■ **برای دور زدن قانون کپی رایت؟**

بله. تحت تأثیر دو مسأله‌ای که اشاره شد کار نشر در سایر کشورها به عنوان یک برند ایرانی دشوار است؛ بنابراین به عنوان یک ناشر انگلیسی وارد کار شدم. سال‌هاست در نمایشگاه‌های خارجی کتاب به عنوان ناشر و غرفه دار انگلیسی حاضر می شوم تا در راه معرفی ادبیات کشورم به سایر نقاط جهان با موانع کمتری روبه‌رو شوم. میان ناشران انگلیسی به عنوان ناشی شناخته می شوم که درباره ادبیات فارسی کار می‌کنم.

■ **چطور شد که به سراغ کار نشر رفتید. آن هم نه در نشر داخلی خودمان، بلکه در زمینه بین المللی!**

رشته دانشگاهی خودم ریاضی است و ربطی به کار نشر ندارد، اما فعالیت امروزم به دوره نوجوانی ام بازمی‌گردد. آن سال‌ها وقتی خارج از ایران بودم به هر کتابفروشی که می‌رفتم سراغ ادبیات خودمان را می گرفتم؛ اما کتابی نداشتند که برای من سؤال بود. البته کتاب بود، اما آثاری ن‌شأت گرفته از سیاست‌های ضد ایرانی. باین حال ورودم به عرصه نشر اتفاقی وبه پیشنهاد یکی از آشنایان بود. قبل از ورود به عرصه کتاب با هم‌راهی چند دوست بزرگ تصمیم به انتشار نخستین مجله تمام انگلیسی ایرانی گرفتیم که «پوآ» نام گرفت؛ تا همین چند سال پیش هم منتشر می شد که شرایط مطبوعات اجازه ادامه حیات به آن نداد. به مرور آن جمع پرکنده و هر کدام به نقطه‌ای از جهان رفتند و من که بیش از پیش به کار نشر علاقه‌مند شده بودم تصمیم به ادامه این راه گرفتم.

■ **از همان ابتدا بر انتشار ترجمه آثار ایرانی متمرکز شدید؟**

بله، مؤسسه ایرانی هم بر این هدف دایر شده، از همان ابتدا با گروهی که هم‌راهی ام می‌کردند ترجمه آثار ایرانی را برای مخاطبان خارجی شروع کردیم. بی تجربه بودیم؛ لطمه زیادی هم دیدیم اما ناامید نشدیم. تجربه کسب کردیم و به مرور نویسندگان بزرگ‌تری برای ترجمه انگلیسی نوشته‌های خود به ما اعتماد کردند. به مرور خودم نیز حضور پررنگ‌تری در مجامع ادبی بین‌المللی پیدا کردم. زندگی و رفت وآمد مداوم میان ایران و انگلستان منجر به آن شد که شانس بیشتری حتی برای شرکت در مجامع دانشگاهی پیدا کنم. بیش از پنجاه حضور رسمی در جایگاه ناشر و غرفه دار در نمایشگاه‌های خارجی منجر

■ **سه شنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۰**

■ **سال بیست و هفتم**

■ **شماره ۶۴۳۰**

بله و سایقه این همکاری به بیش از یک دهه می‌رسد؛ اتفاقاً بنا تزی ترجمه «قصه‌های مجید» از سوی ایشان تمام شده که بزودی منتشر می‌شود. نقطه قوت ترجمه آثار به زبان انگلیسی دایره جغرافیایی گسترده‌ای است که شامل می‌شود.

■ **زبان فارسی جغرافیای محدودی را شامل می‌شود، مترجمان خارجی که با آنان همکاری دارید بر چه اساس با فارسی آشنا هستند؟ در زمره ایران شناسان و شرق شناسان هستند یا علاقه شخصی‌شان منجر به یادگیری این زبان شده؟**

آن‌طور نیست که بگویم همه آنان به فلان دلیل مشخص فارسی یاد گرفته‌اند. برخی به ذات رشته دانشگاهی‌شان که ایران شناسی یا شرق شناسی بوده به سراغ زبان فارسی رفته‌اند.

دست استفاده می‌کند.

■ **در شرایطی که بازار کاغذ با بحران روبه‌رو است هم معتقد به حذف حمایت‌های این چنینی هستید؟ آن‌هم در شرایط فعلی که کاغذ را دولتی به حدود ۱۵۰ کاغذ از ۷۰۰ هزار تومان هم رسید!**

بله. اگر این بحث کاغذ دولتی تمام شود بازار سیاه کاغذ هم بتدریج حذف می‌شود، دست سودجویان هم کوتاه می‌شود. یکی از دلایل شرایط فعلی کاغذ به همین مسأله بازمی‌گردد؛ آن قدر شرایط بازار را کاغذ غیرواقعی شده که کاغذ فروش براحتی با قیمت‌ها بازی می‌کند. از آن طرف ناشرنماها از شرایط فعلی بهره می‌برند.

اگر بازار کاغذ به حال خود رها شود این التهاب هم از بین می‌رود. با حذف کاغذ دولتی تنها آتلهایی



می‌مانند که خواهان کار حرفه‌ای هستند.

■ **اما اینجا بحث مخاطبانی در میان است که عادت نکرده‌اند از یک مبلغی بالاتر بابت کتاب بپردازند! حالا بماند که بحث کاهش توان اقتصادی مردم هم در میان است و از طرفی قشر کتابخوان نیز عمدتاً از طبقه متوسط نیستند!**

با حمایت موافق هستم؛ منتھی این حمایت باید از راه درست باشد. برای حمایت از افزایش توان خرید مخاطبان می‌توان به راهکارهایی دهه‌ها ادبیات ایران را از حضور در عرصه جهانی محروم کرده است. ترجمه اغلب این کتاب‌ها سال‌ها زمان برده و از این بابت کار بسیار پرهزینه‌ای به شمار می‌آید. انجام اصولی این کار آن قدر مهم است که می‌تواند به جلب توجه بیشتر مخاطبان یاحتی بی توجهی آنان بینجامد و از همین بابت ویراستاری کار نیز بسیار دشواری دارد؛ هر چند که در نشر خودمان هنوز جایگاه چندانی برای ویراستاری قائل نیستند. البته ناشران شناخته‌شده و حرفه‌ای اهمیت این کار را می‌دانند. ویراستاری اما در کشورهای دیگر اینگونه نیست، آن چنان‌که در سایر نقاط دنیا ویراستاران اتحادیه‌ای مجزا از ناشران و کتابفروشان دارند. برای ویراستاری جایگاهی به‌اندازه خود نویسنده و گاهی بالاتر قائل هستند.

■ **اما در کشور خودمان هم چند سالی است شاهد شکل گیری انجمن ویراستاران هستیم!** بله، منتهی این انجمن با اتحادیه‌ای قوی که در کشور‌های غربی سابقه‌ای یک صد ساله دارد بسیار متفاوت است.

■ **این بی توجهی چقدر به نشرمان، حتی در عرصه داخلی لطمه زده است؟**

بسیار، اما نشر ما گذشته از مباحثی همچون بی توجهی به ویراستاری آثار، گرفتار حاشیه‌های مختلفی است؛ یکی از بارزترین آنها همین بحث اختصاص یارانه و از دولتی به کاغذ است که من از جمله مخالفان همیشگی اش هستم. برخی از مجوزی که بابت مؤسسه نشر می‌گیرند برای دریافت امکانات دیگری از جمله دریافت یارانه کاغذ استفاده می‌کنند.

■ **آقای شحنه تبار بیان کرده که از سال ۱۳۸۶ حذف شده است!**

بله، اما این یارانه به شکل‌های دیگری در جریان است که از آن جمله می‌توان به دریافت سهمیه کاغذ دولتی اشاره کرد؛ آن هم بدون انتشار کتاب؛ حذف کامل یارانه کاغذ مساوی با کنار رفتن ناشرنماها و باقی ماندن آتلهایی است که حرفه‌ای در این حوزه گن می‌کنند. ماضی کتاب‌سازی در نتیجه چنین سیاست‌گذاری‌های اشتباهی است. ناشری که قصد کار حرفه‌ای ندارد؛ یک کتاب منتشر می‌کند و در کنار آن به سراغ انتشار چند اثر کتاب‌سازی شده می‌رود. از این طریق هم مجوز کار انتشاراتی اش حفظ می‌شود و هم از سهمیه کاغذ یارانه‌هایی از این

نابودی می‌کشانند. ای کاش حداقل جامعه کتابخوان اطلاعات بیشتری در این باره پیدا کنند و آنان را وادار به عقب‌نشینی کنند.

■ **بی اعتمادی مردم به ممیزی آثار چقدر راه ناشران غیرقانونی را هموار کرده است؟**

بخشی از استقبال مردم در نتیجه این است که گمان می‌کنند اینها آثاری هستند که بدون اعمال ممیزی منتشر شده‌اند؛ لذا اگر بحث این کتاب‌ها باشد قدری قابل‌هضم‌تر است؛ اما اغلب این آثار کتاب‌هایی هستند که از سوی ناشران حرفه‌ای منتشر شده و پر فروش شده‌اند. متأسفانه حتی ما ناشران می‌دانیم که این کتاب‌ها کجا منتشر می‌شوند و کار چه افرادی هستند، اما هنوز کاری جهت مقابله



می‌مانند که خواهان کار حرفه‌ای هستند.

■ **اما اینجا بحث مخاطبانی در میان است که عادت نکرده‌اند از یک مبلغی بالاتر بابت کتاب بپردازند! حالا بماند که بحث کاهش توان اقتصادی مردم هم در میان است و از طرفی قشر کتابخوان نیز عمدتاً از طبقه متوسط نیستند!**

با حمایت موافق هستم؛ منتھی این حمایت باید از راه درست باشد. برای حمایت از افزایش توان خرید مخاطبان می‌توان به راهکارهایی همچون تخفیف‌های فصلی کتاب متوسل شد. حمایت‌ها که بی‌واسطه به خود مردم می‌رسند جایی برای سودجویان باقی نمی‌گذارند.

■ **حمایت اصولی مستلزم تدابیر امنارتی‌هاست که این با تغییر مدیریت‌ها محقق نمی‌شود؛ اینجا بازم به آسبایی می‌رسیم که متوجه مخاطب و به تبع آن نشرمان می‌شود!**

همه این مشکلات با برنامه‌ریزی قابل حل هستند. تأثیر ۶۰ میلیون دلاری را که سالانه صرف کاغذ دولتی می‌شود هرگز نمی‌توان در قالب افزایش سرانه مطالعه مردم دید. این مبلغ سنگین به سبب همان بازار غیراصولی و ناشرنماها اِنگذاری لازم را ندارد. البته کتاب همین یک سال اخیر هم افزایش قیمت قابل توجهی داشته، کتابی که سال قبل ۳۰ هزار تومان بوده حالا ۹۰ هزار تومان است. این در نتیجه فقدان ثبات اقتصادی است وگرنه در دیگر کشورها با چنین افزایش قیمت‌هایی روبه‌رو نیستیم.

■ **گذشته از نیازی که به اصلاح برخی سیاست‌گذاری‌ها و از سویی در نظر گرفتن راهکارهای زیربنایی احساس می‌شود باین بودن سرانه مطالعه چقدر در برقرار ماندن مشکلات مؤثر بوده؟**

من اصلاً اینکه عده‌ای اصرار دارند بگویند گذشته از نیازی که به اصلاح برخی سیاست‌گذاری‌ها و از سویی در نظر گرفتن راهکارهای زیربنایی احساس می‌شود باین بودن سرانه مطالعه چقدر در برقرار ماندن مشکلات مؤثر بوده؟

البته این تنها یکی از مصداق‌های گفته‌های اشتباهی است که درباره کتابخوانی نبودن مردم شنیده می‌شود. اما حالا که بحث انبارهای آثار چاپ غیرقانونی به میان آمد، ضروری است به این نکته اشاره شود که برای کوتاه کردن دست ناشران زیرزمینی به جدیت و همراهی همه مراجع ذیربط نیاز است. کتاب‌های به‌اصطلاح قاچاق آثار دزدی هستند اما به راحتی کنار خیابان فروخته می‌شوند. هیچ کجای دنیا مشابه آن را نمی‌توان دید. ناشرانی که عین کتاب یک ناشر را منتشر کرده یا با قدری تغییر دست به کتاب‌سازی می‌زنند نشر را به ورطه

http://irannewspaper.ir

editorial@irannewspaper.ir

در حفظ مخاطبان نداشته‌اند؟ ماهیت وجودی آنها که به همین دنیای تکنولوژی پیوند خورده! این کتاب‌ها هم نتوانسته‌اند جای کتابخوانی خود را در آن گذشته را پر کنند. با ظهور آمازون مسأله خودناشری شکل گرفت و هرکسی نوشته‌های خود را در آن منتشر کرد که اینها موجب بی‌اعتمادی تدریجی مخاطبان شده است. حالا در کشورهای غربی مردم وقتی سراغ نسخه الکترونیکی می‌روند که بدانند ناشر معتبری پشت آن بوده و فقط بحث خودناشری در میان نیست. خود من تا وقتی که نسخه چاپی کتابم منتشر نشود اجازه انتشار نسخه Kindle آن را نمی‌دهم.

■ **کشورهای غربی و امریکایی هم با کاهش مخاطب روبه‌رو شده‌اند؟**



مهم! اینکه سیستم‌های دولتی اغلب روند کندی دارند و به روزمرگی افتادند. البته گاهی اقدامات خوبی انجام داده‌اند که نمی‌توان منکر شد. چشم‌ناشر نباید پده دست دولت باشد؛ هنوز این نگاه‌مان هست که اگر یارانه ندهید کتاب چاپ نمی‌کنیم. هیچ کجای دنیا اینگونه نیست؛ ناشر باید خودش حساب کند. آیا می‌خواهد در این حرفه کار کند؟ آیا برای جذب مخاطب به دنبال آواوری هست؟ وگرنه که بهتر است تغییر صف بدهد. با این حال نکته‌ای که اشاره کردید یکی از مهم‌ترین موانع ما در ورود به مارکتینگ جهانی نشر است. زبان فارسی از نظر ساختاری با زبان‌هایی که ریشه لاتین دارند تفاوت بسیاری دارد؛ همین به سبب شده که بحث ترجمه در آن پیچیده‌تر شود.

■ **شما تأکید دارید که نمی‌توان از مسئولان انتظاری داشت و در حالی خود باید دست به کار شوند؛ این در نشر است که در ترکیه دیدیم که چطور اعطای گرنت و برخی حمایت‌ها، ادبیات این کشور را در سطح جهانی مطرح کرد!**

بله، اما مسأله اینجاست که شرایط ترکیه با ما قابل مقایسه نیست؛ آنجا هم بودجه زیادی صرف شد و هم اینکه دست نویسندگان و ناشران کلاً باز بود. خبری از نگاه‌های سلیقه‌ای یا حتی ممیزی نبود. از سوی دیگر ترکیه در رابطه با کپی رایت هم مشکلی ندارد.

■ **در آخر از این بگویید که ادبیات استانی امروزمان چقدر ظرفیت جهانی شدن دارد؟**

بر اساس تجربه ۲۰ ساله‌ام از فعالیت در عرصه نشر خارجی باید بدارم نه تنها ادبیات ما ظرفیت رقابت در سطح جهانی دارد بلکه در موارد بسیاری حتی بالاتر از آن‌هاست. ماقط می‌گویم نمی‌شود، آن‌هم بدون هیچ‌گونه تلاشی؛ از ۱۷ تا ۲۰ کتاب خواب زمستانی! خانم گلی ترقی را به زبان لهستانی ترجمه کردم که برگزیده جایزه آتان شد. مجموعه اشعار افشین بدالهی به فرانسه ترجمه شد و آن هم جایزه مهمی گرفت. خانم لیتی دامن بر چه اساسی برخی می‌گویند ادبیات ما ظرفیت لازم را ندارد در این دستان مگر کاری در این زمینه کرده‌اند که چنین نظری می‌دهند؟ گرفتار خودمم ببینی. شده‌ایم. بگذارید به نکته‌ای اشاره کنم، من منتقد سانسور هستم اما ایندیمان تحت تأثیر همین ممیزی ویژه‌ای خاصی یاد کرده که برای مخاطبان آن طرفی جذاب است. این ویژگی تبدیل به سبکی برای آثار معاصرمان شده، نوعی در لافافه سخن گفتن که شامل همه بخش‌های زندگی می‌شود؛ از روابط خانوادگی تا شرایط سیاسی- اجتماعی. ای کاش به جای دست‌کم گرفتن خودمان برای جهانی شدن تلاش کنیم.

http://irannewspaper.ir

editorial@irannewspaper.ir

تأسیس این کتابفروشی‌ها هستند منجر به تشویق نسل جوان می‌شوند. باید از ناشرانی همچون چشمه، ثالث، ققنوس و... ممنون باشیم که سرمایه خود را صرف تأسیس کتابفروشی‌های امروزی می‌کنند. در صورتی که اگر کتابفروشی‌ها جمع شوند دیگر کتاب نمی‌بینیم، اینکه گمان کنیم سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی می‌توانند جای خالی کتابفروشی‌ها را پر کنند، اشتباه محض است. اینها تنها مکملی در کنار کتابفروشی‌ها و در خدمت بیشتر به مخاطبان هستند.

■ **با این تفاسیر نگاه تان به برگزاری نمایشگاه مجازی کتاب که یک دوره اش را پشت سر گذاشته ایم، چیست؟**

برگزاری دوره نخست نمایشگاه مجازی کتاب تنها راهکار در شرایط سال گذشته بود؛ هر چند که امسال هم محدودیت‌های کرونایی اجازه برپایی شکل فیزیکی نمایشگاه نخواهیم بود. این شیوه تنها برای شرایط فعلی یا در آینده به عنوان مکملی برای نمایشگاه فیزیکی کتاب کارایی دارد. کتاب با برگزاری نمایشگاه‌های حضوری و به تبع آن نشست‌ها و جشن‌های رونمایی کتاب است که زنده می‌ماند. با این حال موفق‌ترین تجربه در برگزاری نمایشگاه کتاب مجازی به رغم مشکلات و کاستی‌های بسیار به ما تعلق داشت. امیدوارم در دوره دوم، این نمایشگاه با تأمل و بررسی بیشتری برگزار شود تا شاهد کاهش حداکتری کاستی‌های آن باشیم.

■ **تا از فضای نشر جهانی دور نشده ایم، در خاطرم هست سال گذشته تأکید کرده بودید که آسیب کرونا به نشر بین‌المللی بیشتر از نشر خودمان است؛ هنوز هم چنین نظری دارید؟**

بله، من در هر دو فضای داخلی و خارجی حضور دارم. در بیرون از ایران خیلی از ناشران ورشکست شده و جمع کرده‌اند. حتی شاهد ادغام بزرگ‌ترین نشرهای خارجی بودیم، انتشارات «رندوم هاوس» با گروه «پنگوئن» ادغام شد که اتفاق کمی نیست. این به دلیل فشار اقتصادی بسیار است وگرنه این دو رقیب یکدیگر هستند. وجود آمازون این مشکلات را برای ناشران خارجی بیشتر کرده و اصلاً دنیای نشر را تغییر داده است. اما در ایران تقریباً ناشران بزرگ همچنان به کار خود ادامه می‌دهند؛ هر چند که ناشران ضعیف و کوچک‌تر با تعطیل شده‌اند یا لطمه زیادی دیده‌اند.

■ **اینکه نشر ایران تا به امروز در مارکتینگ جهانی موفق نبوده به محدودیت زبان فارسی بازمی‌گردد یا بحث کم‌کاری مسئولان فرهنگی است؟**

مسائل مختلفی دخیل است؛ اما نکته مهم! اینکه سیستم‌های دولتی اغلب روند کندی دارند و به روزمرگی افتادند. البته گاهی اقدامات خوبی انجام داده‌اند که نمی‌توان منکر شد. چشم‌ناشر نباید پده دست دولت باشد؛ هنوز این نگاه‌مان هست که اگر یارانه ندهید کتاب چاپ نمی‌کنیم. هیچ کجای دنیا اینگونه نیست؛ ناشر باید خودش حساب کند. آیا می‌خواهد در این حرفه کار کند؟ آیا برای جذب مخاطب به دنبال آواوری هست؟ وگرنه که بهتر است تغییر صف بدهد. با این حال نکته‌ای که اشاره کردید یکی از مهم‌ترین موانع ما در ورود به مارکتینگ جهانی نشر است. زبان فارسی از نظر ساختاری با زبان‌هایی که ریشه لاتین دارند تفاوت بسیاری دارد؛ همین به سبب شده که بحث ترجمه در آن پیچیده‌تر شود.

■ **شما تأکید دارید که نمی‌توان از مسئولان انتظاری داشت و در حالی خود باید دست به کار شوند؛ این در نشر است که در ترکیه دیدیم که چطور اعطای گرنت و برخی حمایت‌ها، ادبیات این کشور را در سطح جهانی مطرح کرد!**

بله، اما مسأله اینجاست که شرایط ترکیه با ما قابل مقایسه نیست؛ آنجا هم بودجه زیادی صرف شد و هم اینکه دست نویسندگان و ناشران کلاً باز بود. خبری از نگاه‌های سلیقه‌ای یا حتی ممیزی نبود. از سوی دیگر ترکیه در رابطه با کپی رایت هم مشکلی ندارد.

■ **در آخر از این بگویید که ادبیات استانی امروزمان چقدر ظرفیت جهانی شدن دارد؟**

بر اساس تجربه ۲۰ ساله‌ام از فعالیت در عرصه نشر خارجی باید بدارم نه تنها ادبیات ما ظرفیت رقابت در سطح جهانی دارد بلکه در موارد بسیاری حتی بالاتر از آن‌هاست. ماقط می‌گویم نمی‌شود، آن‌هم بدون هیچ‌گونه تلاشی؛ از ۱۷ تا ۲۰ کتاب خواب زمستانی! خانم گلی ترقی را به زبان لهستانی ترجمه کردم که برگزیده جایزه آتان شد. مجموعه اشعار افشین بدالهی به فرانسه ترجمه شد و آن هم جایزه مهمی گرفت. خانم لیتی دامن بر چه اساسی برخی می‌گویند ادبیات ما ظرفیت لازم را ندارد در این دستان مگر کاری در این زمینه کرده‌اند که چنین نظری می‌دهند؟ گرفتار خودمم ببینی. شده‌ایم. بگذارید به نکته‌ای اشاره کنم، من منتقد سانسور هستم اما ایندیمان تحت تأثیر همین ممیزی ویژه‌ای خاصی یاد کرده که برای مخاطبان آن طرفی جذاب است. این ویژگی تبدیل به سبکی برای آثار معاصرمان شده، نوعی در لافافه سخن گفتن که شامل همه بخش‌های زندگی می‌شود؛ از روابط خانوادگی تا شرایط سیاسی- اجتماعی. ای کاش به جای دست‌کم گرفتن خودمان برای جهانی شدن تلاش کنیم.